



فرزندانمان سزاوار این همه بی‌اعتنایی نیستند

مهرماه امسال برای سرنوشت کودکان کلاس پنجمی که قرار است به جای دوره راهنمایی به کلاس ششم بروند خاطره خوشایندی ندارد.

نگاهی دوباره به تغییر ساختار نظام آموزشی فرزندانمان سزاوار این همه بی‌اعتنایی نیستند

احمد حج فروش- پژوهشگر: مهرماه امسال برای سرنوشت کودکان کلاس پنجمی که قرار است به جای دوره راهنمایی به کلاس ششم بروند خاطره خوشایندی ندارد.

کلاس ششمی که خلق‌الساعه، ناگهانی و در خلأ، بریده از پایه‌های قبلی (سوم و چهارم و پنجم) و بدون ارتباط با پایه‌های بعدی (هفتم و هشتم و نهم)، پدید آمده، اختراع جدیدی است که باید در کتاب رکوردها ثبت شود. اما جای شگفتی است که، دستگاه‌های نظارتی ما را چه می‌شود که در سکوت به سر می‌برند؟ 1- آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی که تصویب‌کننده سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است و بخش‌های نظارتی آن شورا؛ باید اجازه دهند مجریان، هر بلایی که می‌خواهند بر سر این سند مهم بیاورند؟!

براساس مفاد فصل هشتم آن سند، «؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی وظیفه سیاستگذاری و تصمیم‌گیری کلان و نیز ارزیابی و نظارت راهبردی فرایند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی برپایه سند مذکور را به‌عهده دارد؛ آیا این شورا به مهم‌ترین وظیفه خود یعنی: «؛ ارزیابی و نظارت راهبردی فرایند تحول؛ عمل کرده است؟

مگر براساس مفاد فصل هشتم آن سند، قرار نبوده آموزش و پرورش حداکثر ظرف مدت یک سال پس از تصویب این سند، برنامه‌های اجرایی خود (به‌ویژه برنامه‌های زیرنظام‌های اصلی) را به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برساند؟ مگر آن شورا و بخش‌های نظارتی آن نمی‌دانند که آموزش و پرورش تاکنون این وظیفه خود را انجام نداده است، درحالی‌که می‌خواهد از مهرماه امسال نظام جدید را اجرا کند؟! آنهم ناگهان از پایه اول و دوم به پایه ششم جهش کند. نه اینکه آموزش و پرورش امروز ما خیلی تیزهوش است و هر سال نمره 20 آورده که می‌خواهد ناگهان چهار تا پنج کلاس جهش کند!

احتمالاً همان نیم صفحه جدول 11 ضربدری که نشان می‌دهد پایه دوم و ششم نظام جدید باید در سال تحصیلی 91-92 با هم آغاز شوند و با دستپاچگی و شتاب هرچه تمام‌تر 20 روز پس از رونمایی سند تحول در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شد، برنامه‌های اجرایی آموزش و پرورش (به‌ویژه برنامه‌های زیر نظام‌های اصلی) بوده است؟!

تعجب از این است که با توجه به اینکه آموزش و پرورش زرنگ و تیزهوش پنج سال جهشی ما کار یکساله را ظرف 20 روز انجام داده و به جای 131 صفحه (حداقل انتظار: به ازای هریک از 131 راهکار سند تحول یک صفحه برنامه اجرایی)، از نیم صفحه برای ارائه برنامه‌های اجرایی سند تحول استفاده کرده، چرا به‌خاطر این همه سرعت و صرفه‌جویی در کاغذ پاداش نگرفته است؟! البته مثل اینکه پاداش هم گرفته، زیرا نمایندگان دوره هشتم در آخرین روزهای حضور خود در مجلس، آموزش و پرورش را مورد تفقد و تشویق قرار دادند!

تناسبت میان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (متکی به 450 صفحه مبانی نظری درباره فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی که قرار است بنیاد آموزش و پرورش کشور را متحول سازد و به زبان انگلیسی برای دبیرکل یونسکو ترجمه شود) و یک جدول نیم صفحه‌ای ابتدایی با 11 ضربدر به‌عنوان برنامه‌های اجرایی (برای تحقق 23 هدف عملیاتی و 131 راهکار وابسته به آن)، نیز جزو رکوردهایی است که بایستی در کتاب رکوردهای گینس ثبت شود.

البته نگارنده قصد ندارد میان آن دو به‌صورت کمی و حجمی مقایسه کند؛ بلکه مهم ارزش کیفی آن سند است؛ که آموزش و پرورش اهمیت لازم درخور شأن چنین سندی قائل نشده است، درحالی‌که برای تهیه برنامه‌های اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حداقل دو سال زمان نیاز است و شاید حجم و کمیت این برنامه‌ها چندین برابر حجم اسناد بالادستی آن شود.

در اینجا لازم می‌دانم تجربه‌ای را یادآور شوم. 10 سال قبل با گروهی از مدیران و کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مأموریتی به دو کشور چین و ژاپن داشتیم. اصلاحات آموزش و پرورش کشور ژاپن در شرف انجام بود؛ اصلاحات آنها بسیار محدود بود و تنها برنامه‌های درسی را دربرمی‌گرفت. (برای نوشتن این مطلب برای روزنامه همشهری، آنقدر در فایل‌های قدیمی رایانه‌ام

جست‌وجو کردم، تا گزارش سفر خود را که قبلا در سازمان متبوع ارائه کرده بودم، یافتم.) آنها سه‌سال مطالعه کرده بودند و سند اصلاحات خود را در مراجع مربوط به تصویب رسانده بودند و بعد از آن، چهار سال طول کشیده بود تا برنامه‌های عمل طرح اصلاحات خود را تهیه کنند و در این مدت از طریق NHK (سازمان تلویزیون آموزشی) و برنامه‌های گسترده‌ای که توسط مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش تدارک دیده شده بود طرح را با مردم درمیان گذاشتند و در میزگردهای گوناگون با متخصصان و کارشناسان در مدارس و دانشگاه‌ها و برنامه‌های رادیو-تلویزیونی، به‌ویژه با حضور منتقدان، طرح اصلی و ابعاد اجرایی آن را مورد نقد و بررسی قرار دادند.

نکته مهم این است که اصلاحات برنامه درسی آنها تنها سه رویکرد جدید در برنامه‌های درسی را دربرمی‌گرفت (1- رویکرد تلفیقی، 2- برنامه محوری و کاهش نقش معلم به‌عنوان یاددهنده و 3- رویکرد فعال با تأکید بر ساختن گرایی). این اصلاحات در برابر تغییرات بنیادی که قرار است در همه ارکان و اجزای نظام آموزش و پرورش کشورمان رخ دهد، بسیار ناچیز است ولی مقایسه کنید نحوه اجرا در عمل را.

در کشور چین هم الگوی مشابه ژاپن را داشتند، ولی آنها به‌علت وسعت و تراکم جمعیت میلیاردي و وجود استان‌های متعدد و شهرهای خودمختار اصلاحات برنامه درسی را به‌صورت پروژه‌های متعدد و متنوع درآوردند و دوسال به‌طور آزمایشی در چند استان اجرا کردند.

در سال 2009 شاهد گزارش تحقیق سازمان بین‌المللی OECD بودیم که چین را دارای بهترین نظام آموزشی در جهان معرفی کرده است. کشوری که در مدت کوتاهی رتبه دوم اقتصاد جهان را به‌خود اختصاص داد و روند موفقیت‌های اقتصادی این کشور که برای کسب مقام نخست جهان می‌کوشد آموزش را کلید موفقیت‌های خود معرفی می‌کند.

سال 1382 دفتر یونسکو در ایران، با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشورمان، کارشناسان حوزه برنامه درسی کشور ایرلند را به ایران (آن سازمان) دعوت کرد. آنها که با پشتیبانی دولت انگلیس تغییراتی را باز هم تنها در برنامه‌های درسی خود ایجاد کرده بودند، طی سه روز روش طراحی و اجرای برنامه‌های درسی جدید خود را به گروه کارشناسان ما آموزش می‌دادند. وقتی از آنها سؤال کردیم چقدر طول کشید تا شما برنامه‌های جدید طراحی شده را به مرحله اجرا گذاشتید؛ پاسخ دادند سخت‌ترین مرحله برای اجرا تردید داشتیم و نگران بودیم که برنامه‌هایمان با شکست مواجه شود. اپوزیسیون سبب شد و سواس بیشتری در اجرایی کردن به خرج بدهیم. آنها گفتند: در این زمینه حتی درگیری‌های سیاسی بین جناح‌های مختلف ایجاد شد؛ در نتیجه اصلاحات را ابتدا به‌طور آزمایشی در شهرهای کوچک اعمال کردیم و از این آزمایش‌ها دستاوردهای زیادی داشتیم، که بعضا طرح را به کلی تغییر داد. آنها گفتند: مقاومت‌های سخت معلمان و اشکالاتی که متخصصان می‌گرفتند خیلی به آنها کمک کرد.

2- آیا نمایندگان محترم مجلس، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را مطالعه کرده‌اند؟ اگر آنها مطالعه نکنند پس چه کسی باید درباره مهم‌ترین تغییرات در سطح ملی که مبتنی بر قوانین حکومتی است نظر دهد و تصمیم بگیرد؟ آیا نمایندگان محترم مجلس، نمی‌دانند که آموزش و پرورش، از میان 131 راهکار سند که به نظم و ترتیب علمی، منطقی و عقلی تنظیم و تدوین شده است و می‌بایست به همان ترتیب انجام شود، ناگهان به سراغ ساختار نظام آموزشی رفته که در ردیف 112 (کد 21/1) سند قرار دارد و 111 راهکار مقدمه و پیش‌نیاز راهکار 21/1 است؟

وقتی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس هشتم بر ارائه برنامه اجرایی (وظیفه مندرج در فصل هشتم سند تحول) قبل از اجرای ساختار تأکید می‌کند، آموزش و پرورش با شتاب، آن جدول نیم‌صفحه‌ای 11 ضریبی را مکتوب می‌کند و کتاب 290 اقدام را (که بیش از 90 درصد آن کارهای جاری آموزش و پرورش است و در سنوات گذشته نیز مشابه آنها و اغلب با کیفیت بهتر انجام شده است و در صورتی که سند تحولی هم در کار نبود، آموزش و پرورش همان کارها را انجام می‌داد) به نام اقدامات تحولی معرفی می‌کند و جالب اینجاست که 88 درصد اقدامات درج‌شده در آن کتاب مربوط به قبل از تصویب سند تحول است. آیا نمایندگان محترم مجلس آن 290 اقدام را دقیقاً مطالعه کرده و آنها را با راهکارهای سند تحول مطابقت داده‌اند و می‌توانند حتی یک مورد را جایگزین با کفایت یکی از آن راهکارها کنند؟!

3- آیا بازرسی کل کشور که بایستی عملکرد و وظایف دستگاه‌های دولت را با توجه به قوانین و سیاست‌های مصوب مورد ارزیابی و بازرسی و نظارت قرار دهد؛ انتقادات افرادی که در رسانه‌های مکتوب منتشر شده یا عملکرد آموزش و پرورش را در سند تحول مورد بررسی و بازرسی و نظارت قرار داده است؟ اگر پاسخ بلی است، پس چه موقع قرار است اقدام عملی انجام دهد؟ وقتی مهرماه آمد و حرکت انحرافی از سند تحول آغاز شد؟

4- آیا دیوان عدالت اداری و مدعی‌العموم در این زمینه مسئولیتی ندارند. حتماً بایستی شکایت شاکی خصوصی در این باره در

فرم‌های رسمی امضا شده به‌دست آنان برسد و در نوبت دو-سه ساله رسیدگی شود. طرح ملی که سرنوشت حدود چهار میلیون کودک را (در پایه‌های اول و دوم و ششم) هدف قرار داده است، برای آن نهادها واجد اهمیت نیست؟

5- کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی که بایستی از هویت قوانینی که نادیده گرفته شده‌اند، به‌ویژه قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش و قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش زیرا براساس ماده 12 فصل چهارم قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش و نیز به موجب بند دوم ماده شش قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش #171؛ تغییر بنیادی نظام آموزشی و بررسی و تصویب هدف‌ها و نظام آموزشی وزارت آموزش و پرورش؛ به‌عده مجلس شورای اسلامی است. البته ممکن است بپذیریم که سند تحول یک سند سیاستی است و انتظار هم این است که شورای انقلاب فرهنگی درباره آن تصمیم بگیرد ولی تنها درباره یک پیرانتز کوچک که در فصل سوم سند (بیانیه مأموریت، ص 12) تحت عنوان: (چهار دوره سه ساله) آمده، وزارت آموزش و پرورش وظیفه داشته است به موجب آن دو قانون، به‌ویژه در زمینه زمان و چگونگی اجرای نظام 3-3-3 از مجلس کسب تکلیف کند، هرچند که آموزش و پرورش مصوبه شورای انقلاب فرهنگی را نیز اجرا درباره نظام آموزشی 3-3-3 را اجرا نکرده و نظام آموزشی خود ساخته 3-3-6 را تبلیغ کرده و درصدد است از مهرماه امسال اجرا کند. آیا باز هم این کمیسیون وظیفه مداخله ندارد؟ بدون تردید #171؛ تعلیم و تربیت؛ یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های پیشرفت همه جانبه کشور و نظامی پویا، برای رشد و کمال و تعالی نیروی انسانی تا رسیدن به قرب الهی است.

تعلیم و تربیت مبتنی بر نظام معیار اسلامی درصدد است شرایط و امکانات را به‌گونه‌ای فراهم کند که استعدادهای کودکان و نوجوانان کشور شکوفا شود و آنان با آگاهی، آزادی و اختیار خود، در ابعاد گوناگون رشد کنند، به کمال برسند و در مسیر قرب الهی عامل تحقق بخش درجاتی از حیات طیبه برای خود و جامعه باشند.

سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، به‌رغم کاستی‌هایی که دارد، یک سند معتبر برای نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. این سند در هشت فصل (شامل کلیات، بیانیه ارزش‌ها، بیانیه مأموریت، چشم‌انداز، هدف‌های کلان، راهبردهای کلان، هدف‌های عملیاتی و راهکارها، چارچوب نهادی و نظام اجرایی) تنظیم و تدوین شده است و تماماً برخوردار از مفاهیم ارزشی و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های راهبردی برای طراحی و برنامه‌ریزی نظام مطلوب تعلیم و تربیت اسلامی است. اما به‌نظر می‌رسد مجریانی که باید قدر و ارزش این سند را بدانند و به مفاد آن دقیقاً عمل کنند، از این مفاهیم ارزشی و راهبردی در عمل روی برگردانده و تنها به شکل و ظرف نظام جدید پرداخته‌اند.

آیا بدون برنامه، بدون نقشه راه، بدون سازوکارهای لازم و بدون شاخص‌سازی برای تحول بنیادین زیر نظام‌ها، می‌توان به نظام تعلیم و تربیتی دست یافت که محصول آن نظام دارای چنان ویژگی‌هایی باشد؟! آیا تنها با شش ساله شدن دوره ابتدایی و تألیف شتاب‌زده کتاب‌های درسی (که مؤلفان آن تنها فرصت استفاده از لعابی از تحول در محتوای آموزشی را به‌دست آوردند) می‌توان نظام آموزش و پرورش را متحول کرد؟! آیا از میان 131 راهکار مندرج در سند تحول، تنها راهکار 21/1 (بازنگری و اصلاح ساختار دوره‌های آموزشی) برای تحول بنیادین در آموزش و پرورش کافی بوده است؟

در این صورت، چرا 500 متخصص و پژوهشگر کشور زحمت کشیدند و اسناد بالادستی و آن سند چندصد بندی را طراحی و تدوین کردند؟! و چرا بیش از 45 جلسه (حداقل دوساعته) وقت نخبگان کشور در شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی صرف بررسی، اصلاح و تکمیل آن سند شد؟!

اگر کار از ابتدا موکول به خلاصه‌شدن تحول در تغییرات سطحی و شکلی بود، لازم نبود آن تعداد محقق و صدها هزار صفحه تحقیقات پشتیبان و پنج‌سال زمان برای نوشتن آن همه مطالب شامل فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه تربیت رسمی و رهنامه پیش‌بینی شود. اصولاً در چنین شرایطی نیاز نبود سند تحول حدود 30 صفحه‌ای (خلاصه سه سند قبلی همراه راهکارها) تهیه و تدوین شود. تنها همان نیم سطر راهکار 21/1 (بازنگری و اصلاح ساختار دوره‌های آموزشی) برای تحول مورد نظر مسئولان وزارت آموزش و پرورش کنونی کفایت می‌کرد.

بدیهی است که نظام آموزش و پرورش (به‌رغم تغییراتی که از ابتدای انقلاب اسلامی در آن رخ داده) نمی‌تواند تنها از طریق انتقال یک عدد از دوره متوسطه به دوره ابتدایی (به‌عبارت روشن‌تر، تبدیل 4-3-5 به 3-3-6) و افزایش ساعات دروس دینی و قرآن و اختصاص یک ساعت به درسی به‌نام #171؛ کار و فناوری؛ و تغییرات شتاب‌زده محتوای آموزشی بدون اتکا به رهنمای برنامه درسی، به‌طور بنیادی متحول شود.

برای خدمت به حدود چهار میلیون کودک معصوم بهترین راه‌حل این است که وزارت آموزش و پرورش طی دو سال تحصیلی 91-92 و 92-93 همه مساعی خود را در جهت تهیه و تصویب برنامه‌های اجرایی مربوط به 131 راهکار سند تحول بکند و سازوکارها و ویژگی‌های حداقل پنج سال آینده مدرسه را که در افق چشم‌انداز بایستی به جلوه‌ای از تحقق مراتب حیات طیبه برسد و... و سازوکار و نظام

تربیت معلمی که بایستی شایستگی‌های حرفه‌ای ویژه‌ای در معلم ایجاد کند و برنامه درسی ملی و برنامه‌های درسی چهاردوره سه ساله و زیرنظام‌ها را تهیه، تدوین و تصویب کند، آنگاه پایه اول ابتدایی نظام جدید را مطابق فرایند زمانی پیش‌بینی شده توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی در نگاشت چهارم سند ملی از سال 93-94 در سطح 5 درصد دانش‌آموزان به مرحله اجرا گذارد. البته پیوست یک زمان پیش‌بینی تصویب برنامه درسی را سال 89 تعیین کرده بود که به علت تأخیر دوساله (که هنوز هم برنامه درسی ملی تصویب نشده) نسبت به تاریخ‌های اعلام شده در پیوست بایستی دوسال به تعویق بیفتد.